

اعدام عامل فاجعه «گوهر شاد»

محمودلی خان اسدی که به القابی چون مصباح دیوان، مصباح السلطنه و مصباح التولیه معروف است، در تاریخ به عنوان یکی از عاملان عمده کشتار مردم بی‌گناه در حادثه مسجد گوهر شاد در سال 1314 شناخته شده است. اعدام او از سوی رضاخان حاصل یک پرونده‌سازی علیه وی بوده و فتح‌الله پاکروان استاندار خراسان در پس این پرونده‌سازی قرار داشت.

محمودلی خان که در زمان اعدام 57 سال سن داشت از سال 1305 ش. تا واپسین روزهای آذر 1314 مقام نیابت تولیت آستان قدس رضوی در مشهد را از سوی رضاشاه بر عهده داشت و چنان که از اسناد و مدارک متقن موجود بر می‌آید تا پایان عمر در خدمت صادقانه به مخدومش رضاشاه از هیچ کوششی فروگذار نکرد و شخص رضا شاه هم همواره از صداقت، درستکاری و پشتکاری او نسبت به خودش رضایت خاطر می‌تأم داشت.

ولی‌خان در 1257 ش. در بیرجند متولد شد و به تدریج با همت امیر ابراهیم‌خان شوکت‌الملک پلکان ترقی را طی کرد و در استان خراسان، نفوذ فوق‌العاده‌ای به دست آورد. او در دوره‌های 4، 5 و 6 از حوزه نمایندگی زاهدان به مجلس شورای ملی راه یافت در جریان کودتای 1299 در صف حامیان رضاخان قرار گرفت، به عضویت مجلس مؤسسان درآمد و به انقراض قاجاریه و سلطنت پهلوی رأی داد. به پاس این خدمات در 1305 به مقام نیابت تولیت آستان قدس رضوی درآمد.

محمودلی خان اسدی تا واپسین زمان تصدی این سمت قدرتمندترین مقام استان خراسان محسوب می‌شد و عموماً استانداران و روسای وقت قشون و سایر مقامات ریز و درشت محلی بالاخص به خاطر جایگاه رفیع وی نزد رضا شاه اعتبار ویژه‌ای برای او قائل بودند. فقط از اوایل سال 1314 ش. و همزمان با آغاز استانداری فتح‌الله پاکروان در خراسان بود که این نظم بر هم خورد و پاکروان بر خلاف استانداران سابق نسبت به اسدی عنایتی نداشت و در همان حال اسدی هم اعتباری برای استاندار قائل نبود.

در این میان به ویژه پاکروان توانسته بود با همراهی برخی مقامات سیاسی - نظامی استان به تدریج مشکلاتی برای نایب‌التولیه در آستان قدس رضوی فراهم آورد و احتمالاً توانسته بود در روندی تدریجی ولی مداوم، ذهن رضا شاه را نسبت به اسدی مشوب ساخته و او را از چشم شاه بیندازد. بدین ترتیب و به رغم اینکه تمام شواهد و قراین و اسناد و مدارک موجود حاکی از آن است که در واقع مسجد گوهر شاد اسدی از هیچ تلاشی برای پایان دادن به حادثه فروگذار نکرده است، با این احوال به ویژه با دسایس استاندار و برخی مقامات سیاسی و نظامی استان چنین به رضا شاه وانمود شد که اسدی به طور پیدا و پنهان از معترضان به سیاستهای شاه حمایت نموده و حتی موجبات فرار رهبر مخالفان «شیخ محمدتقی گنابادی» معروف به «بهلول» را از مشهد تا مرز افغانستان فراهم آورده است. لازم به ذکر است که به دنبال اعلام تغییر لباس اجباری مردان و کشف حجاب، مخالفت‌های گسترده‌ای در سراسر کشور شکل گرفت که مهم‌ترین آن در مشهد اتفاق افتاد.

رضاخان در پیگری این سیاست دستور داده بود تا حجاب از سر زنان مسلمان برگیرند، مردان کلاه غربی به سر کنند، روحانیون لباس روحانیت را از تن بیرون کنند و ...

در پاسخ به این اقدامات علما و روحانیون مشهد طی جلساتی پنهانی تصمیم گرفتند با این حرکت رضاخان مقابله کنند و او را از این کار بازدارند. در یکی از این جلسات پیشنهاد شد که آیت الله حاج آقا حسین قمی به تهران برود و در مرحله اول با رضاخان مذاکره نماید تا شاید بتواند او را از اجرای تصمیماتش بازدارد. وقتی آیت‌الله قمی به تهران آمد بلافاصله از سوی حکومت دستگیر و ممنوع‌الملاقات شد. سایر روحانیون نیز در مساجد و مجالس، به آگاه کردن مردم پرداختند. مسجد گوهر شاد از جمله مکان‌های تجمع مردم و روشنگری رهبران روحانی بود. اجتماعات مردم در این مسجد هر روز بیشتر می‌شد و شهر حالت عادی خود را از دست می‌داد و سخنرانان نیز به ایراد بیانات آتشین می‌پرداختند.

همزمان با بازداشت حاج آقا حسین قمی، در مشهد نیز به دستور حکومت، روحانیونی همچون شیخ غلامرضا طیبی و شیخ شمس نیشابوری دستگیر شدند. در صبح روز جمعه بیستم تیر 1314 نظامیان مستقر در مشهد برای متفرق ساختن مردم وارد عمل شدند و به روی آنان آتش گشودند و تعداد زیادی را کشته و زخمی کردند. ولی مردم مقاومت کرده و سربازان نیز بنا به دستوری که به آنها رسید، مراجعت کردند. به دنبال این حادثه مردم اطراف مشهد به سوی مسجد حرکت کردند.

فردای آن روز 21 تیر جمعیت زیادیتری در مسجد گوهر شاد تجمع کردند و علیه اقدامات دولت اعتراض نمودند. سران نظامی و انتظامی مشهد این بار بنا به دستور رضاخان با تجهیزات کامل و افراد فراوان در نقاط حساس مستقر شدند و تفنگها، سلاح‌های خودکار و حتی توپها را به منظور سرکوب مردم به میدان آوردند. در حوالی ظهر مأمورین نظامی و انتظامی از هر سو به مردم هجوم آورده و در داخل مسجد به طور وحشیانه‌ای به کشتار آنان پرداختند. در این فاجعه عده زیادی شهید و مجروح و یا بازداشت

شدند. کشتار مردم در این مسجد به اندازه‌ای زیاد بود که به نقل از شاهدان عینی، چند کامیون جنازه از صحنه کشتار خارج کردند. یک روز پس از این فاجعه رژیم رضاخان به طور گسترده عملیات دستگیری علما و روحانیون را آغاز کرد و تعداد کثیری از آنان را بازداشت و روانه زندان نمود.

قیام گوهر شاد یک سال پس از بازگشت رضاخان از سفر به ترکیه و مشاهدات وی در مورد بی‌بند و باری و بی‌حجابی زنان ترکیه به وقوع پیوست.

به دنبال این واقعه فتح‌الله پاکروان استاندار، با کمک برخی مقامات محلی، محمودلی خان اسدی نایب‌التولیه آستان قدس رضوی را متهم کردند که در گسترش اعتراضات دست داشته است. به رغم اینکه هیچ‌گونه سند و مدرک معتبری دال بر این ادعا وجود نداشت اما از آنجا که احتمالاً رأی رضا شاه هم بر لزوم محکومیت و برانداختن نهایی اسدی قرار گرفته بود، با پرونده سازی‌های مقامات محلی نهایتاً دادگاه نظامی در روز 28 آذر 1314 اسدی را مجرم اعلام کرده محکوم به مرگ نمود و این حکم در ساعت 6/30 روز 29 آذر 1314 اجرا شد.

گفته می‌شود فتح‌الله پاکروان از عوامل اصلی سرکوب مردم در حادثه مسجد گوهر شاد بود. از دوران صدارت او در سمت استانداری خراسان در واقعه کشف حجاب نامه‌های فراوانی در دست است. در ابتدا، خوی «دمکرات منشانه» این تحصیلکرده سن سیر فرانسه مانع از آن بود که برای اجرای کشف حجاب دست به دامن «زور» شود: «این اقدامات باید خیلی عاقلانه و با متانت و بدون اینکه کسی را عتفاً مجبور به کشف حجاب نمایند اجرا گردد».

این عبارت در زمانی بود که هنوز صبح دولتش ندمیده بود. دو سال بعد در مقام استاندار خراسان بخشنامه‌ای صادر کرد بدین شرح: «... لازم است به تمام مأمورین محلی اخطار نمایند که عموم آنها موظفند در پیشرفت نهضت بانوان تشریک مساعی نموده و خود آنها در این امر پیشقدم باشند و در جشنها نیز عموماً باید با بانوان خود حضور به هم رسانند و همچنین باید بدانند اندک قصور در این باب موجب مسئولیت شدید و ممکن است منجر به انفصال و تعقیب آنها بشود. سایر اهالی نیز باید در نهضت بانوان شرکت نموده و آنهایی که در این قسمت ساعی هستند باید تشویق و کسان دیگر توبیخ و مورد مواخذه واقع شوند و مخصوصاً به اشخاصی که بانوان خود را در خانه نگاه می‌دارند باید اخطار شود که این امر ناپسندیده عاقبت خوبی برای آنها نخواهد داشت، زیرا اشخاص محل نهضت نسوان بدون هیچ‌گونه ملاحظه تبعید خواهند شد. وصول این بخشنامه و نتیجه‌ی اقدامات و عملیات خود را مرتباً گزارش دهید».

استاندار نهم: فتح‌الله پاکروان

مدتی بعد به رئیس الوزرا اطلاع داد: «تا چند روز دیگر هیچ صنفی در مشهد باقی نخواهد ماند که جشن [کشف حجاب] نگرفته باشد. در نظر است پس از خاتمه جشنها ورود به صحن و حرم مطهر و بیوتات شریفه برای زنهای با چادر قدغن شود.»

با استفاده از نشریه «ایام» ویژه تاریخ معاصر، جامجم، شماره اول دی 1383